دیدگاه

افزایش درگیری‌های مسلحانه در جهان

پتر هیله
ترجمه : محمدعلی فیروزآبادی

«مرکز بین‌المللی برای نوکیشی» واقع در شهر بن آلمان به تازگی آماری از جنگ و درگیری‌های جهان در سال ۲۰۰۵ را منتشر کرده است. طبق این آمار، جهان در سال گذشته شاهد ۹۵ جنگ و درگیری بوده که متاسفانه تعداد کمی از آنها با راه‌حل‌هایی مسالمت‌آمیز حل و فصل شده است. به گفته «پتر کرول» مدیر «مرکز بین‌المللی برای نوکیشی»، در عراق و جمهوری کنگو و ایالت دارفور سودان خشونت به شدیدترین وجهی خود را نشان داده است. طبق آمار منتشر شده از سوی این مرکز در اواسط ماه مه، تنها در ایالت دارفور در سال ۲۰۰۵، ۴۰۰ هزار نفر قربانی جنگ و خونریزی شده‌اند و سازمان ملل متحد هیچ موفقیتی در رابطه با حفظ جان مردم سودان در قبال پیامدهای این جنگ به‌دست نیاورده است. کرول می‌گوید: «سال پیش کوفی عنان دبیرکل سازمان ملل متحد صحبت از مسئولیت این سازمان برای حفظ جان مردم غیرنظامی می‌کرد که البته بی‌تردید باید امروز از شکست سازمان در ارتباط با این مسئولیت صحبت کند. زیرا به نظر ما اقدامات بین‌المللی در ارتباط با ایجاد ثبات در دافور باید بسیار زودتر از این آغاز می‌شد و علاوه بر آن باید خیلی زودتر از اینها برای بهبود مسائل انسانی و بشردوستانه فکری می‌شد.»

به گفته کرول اعزام برنامه‌ریزی شده کلاه آبی‌های سازمان ملل به دارفور کاری درست بود و این امکان وجود داشت که پس از درگیری‌ها بتوان به هدف تعیین‌شده یعنی ایجاد ثبات و آرامش در منطقه دست یافت. کرول به عنوان مثالی در این مورد از سیرالئون نام می‌برد و می‌گوید: «یکان‌های پاسدار صلح سازمان ملل در سیرالئون موفق شدند در پایان سال ۲۰۰۵ از آن کشور خارج شوند و همهٔ مسئولیت‌های خود در رابطه با امنیت و صلح در سیرالئون را به دولت منتخب آن کشور واگذار کنند.» البته کرول عقیده دارد که مورد سیرالئون یک استثنا بود و ماموریت‌های سازمان ملل در دیگر نقاط جهان از جمله جمهوری دموکراتیک کنگو با شکست روبه‌رو شد: «سازمان ملل که نیروهایش از سال ۲۰۰۲ در کنگو به سر می‌برند، مانند همیشه در مورد پایان دادن درگیری‌ها در این کشور ناکام ماند.»

کرول بر این عقیده است که یک ماموریت صرفاً نظامی نمی‌تواند به چنین امکانی دست یابد. اعزام نیروهای بین‌المللی تنها می‌تواند به فروکش کردن موقتی جنگ و مناقشه بینجامد و نمی‌تواند راه حل قطعی آن باشد. و شاید به همین دلیل است که طبق گزارش این مرکز، نسبت به موفقیت نیروهای سازمان ملل در کنگو که از قرار برای مراقبت و نظارت بر انتخابات آینده به این کشور اعزام می‌شوند، امید چندانی وجود ندارد. «ولف کریستیان پائس» که در مرکز بین‌المللی برای نوکیشی سرپرستی پروژه‌ای تحقیقاتی در مورد مناقشه کنگو را عهده‌دار است عقیده دارد که ماموریت‌های نظامی در وهله اول به عنوان پروژه‌ای حیثیتی برای اتحادیه اروپایی مطرح است: «ما نیروها و سربازانی را اعزام می‌کنیم تا تجربه کسب کنند و برای پاسداری از صلح در سطح جهانی آماده شوند. در حالی که این مسئله بسیار فراتر از تعهدات اتحادیه اروپایی است. تقویت نهادهای سیاسی در کنگو در حال حاضر بسیار اهمیت دارد زیرا در صورت تقویت این نهادها و پس از برگزاری یک انتخابات سالم می‌توان وظیفه جلوگیری از شروع دوباره جنگ و درگیری‌ها را به طور کامل به آنها سپرد.»

به گفته کرول بودجه‌های نظامی کشورهای جهان به صورتی وحشتناک سیر صعودی پیدا کرده‌اند. بودجه‌ای که کشورهای جهان در سال گذشته برای خرید تانک و هواپیما و آموزش سربازان صرف کرده‌اند افزایشی ۴۰ میلیارد دلاری را نسبت به سال‌های پیش نشان می‌دهد. و امروزه در مجموع سالیانه یک بیلیارد دلار صرف خریدهای نظامی می‌شود. سازمان ملل متحد نیز پس از حملات یازده سپتامبر ۲۰۰۱ بودجه نظامی خود را ۳۰ درصد افزایش داده است و بدین ترتیب آن چه فراموش می‌شود، تامین هزینه‌های ماموریت‌هایی است که هدفشان پایان مناقشات از راه‌های مسالمت‌آمیز است.

منبع: دویچه وله

شیراک چپ‌گرای راست‌نما

نگاهی از درون به روند تغییرات در فرانسه

ترجمه : حسن عبدی

گفت‌وگوی سرویس جهانی بی‌بی‌سی با آلین مینک از آگاهان سیاسی نزدیک به مقام‌های دولتی فرانسه.

بهار امسال پاریس، فصل درگیری‌های سیاسی داخلی است. نخست وزیر فرانسه و وزیر کشور او چندی پیش وارد جنگ و درگیری با یکدیگر شدند و هر یک دیگری را متهم کرد که رفتار ناشایستی از خود نشان داده است. از سوی دیگر برنامه اصلاحات اقتصادی نیز با مشکل مواجه شده است. شبکه تلویزیونی بی‌بی‌سی علل و زمینه‌های بحران سیاسی فرانسه را در گفت‌وگویی با آلین مینک نویسنده و یکی از آگاهان سیاسی بسیار نزدیک به دوویلپن و سارکوزی در میان گذاشته است.

■■■

■ آقای مینک، بگذارید درباره وضعیت کنونی دولت فرانسه سئوال کنم. از بیرون چنین به نظر می‌رسد که دولت کنونی به کلی از کار افتاده است. بسیاری شما را محرم اسرار این دولت می‌دانند. شما این وضعیت را از درون چگونه می‌بینید؟

شما این را دولت می‌نامید؟ این را دیگر نمی‌توان دولت نامید. با توجه به وضعیتی که میان نخست‌وزیر و وزیر کشور او به وجود آمده است چگونه می‌توانید تصور کنید که دولتی در کار است. اگر رابطه بلر و براون را با رابطه ویلپن و سارکوزی مقایسه کنید تصور خواهید کرد که رابطه بلر و براون یک رابطه صمیمی و عاشقانه است. به عبارت دیگر اکنون در دولت فرانسه وضعیتی به وجود آمده است که نمی‌تواند دوام بیاورد.

■ شما هر دو را به خوبی می‌شناسید و مدت‌ها با آنها بوده‌اید؟

درست است. من دهه‌ها است که این دو را می‌شناسم.

■ به نظر شما انگیزه اصلی آنها چیست؟ دشمنی شخصی است یا دلیل اعتقادی و ایدئولوژیکی دارد؟

فکر می‌کنم اکنون وضعیت تغییر پیدا کرده است و دیگر دشمنی در کار نیست زیرا در صحنه سیاسی این تنها سارکوزی است که باقی مانده است و ویلپن به‌زودی از صحنه ناپدید خواهد شد.

■ فکر می‌کنید ویلپن هم مسئله را این گونه می‌بیند؟

بله، او می‌داند که کوچک‌ترین شانسی برای نامزدی ریاست جمهوری ندارد. فکر می‌کنم او می‌کوشد تا مقاومت کند زیرا در صورت استعفا دیگر جایگاهی نخواهد داشت. او نه یک سیاستمدار حرفه‌ای است و نه طرفداران انتخاباتی دارد بنابراین نمی‌تواند کنار رفته چهار سال منتظر بماند و بعد به صحنه بازگردد. پس این قضیه برای او یک مسئله تنازع بقا یا به عبارت دیگر حفظ زندگی حرفه‌ای است ولی در مورد سارکوزی مسئله فرق می‌کند. سارکوزی باید مراقب باشد که وخامت اوضاع شانس انتخاب شدن او را به خطر نیندازد.

■ یعنی ممکن است چنین چیزی اتفاق بیفتد؟

بله، همین‌طور است. اگر فرض کنیم ماه دیگر انتخابات ریاست جمهوری برگزار شود این مسئله انتخاب شدن سارکوزی را بسیار دشوار می‌کند و هدیه‌ای خواهد بود برای راست افراطی و چپ.

■ در سرتاسر پاریس پوسترهایی نصب شده است که اقدامات دوویلپن را به مسئله واترگیت تشبیه می‌کنند.

فکر می‌کنم مسئله دوویلپن بسیار بدتر و جدی‌تر از واترگیت است.

■ این همه بدبینی تا اندازه‌ای به خاطر این نیست که شما از دست ویلپن عصبانی هستید زیرا نام شما هم در این لیست مطرح شده است؟

نه به هیچ وجه. مسئله این است که ما تاکنون چندین بار این نوع مشکلات را تجربه کرده‌ایم ولی هیچ کدام تا این اندازه حاد و مسئولیت‌زا نبوده است.

■ اولین پاسخ شما به من این بود که «کدام دولت؟ در حقیقت دولتی در کار نیست.» واقعیت این است که فرانسه با چالش‌های بسیاری روبه‌رو است هم در داخل و هم در خارج. مردم فرانسه چگونه می‌توانند وضعیتی را تحمل کنند که طبق توصیف شما یک وضعیت بدون دولت است؟

من تعجب می‌کنم که این قدر به دولت بها می‌دهید. ما کشور ثروتمندی هستیم و می‌توانیم تا یک سال منتظر بمانیم. مقصودم این است که فرانسه می‌تواند تا سال آینده مشکلات اقتصادی خودش را حل کند.

■ ولی شما بیش از یک سال است که هنوز نتوانسته‌اید دولتی پیدا کنید که قادر به انجام اصلاحات جدی باشد.

شما اشتباه می‌کنید. این کشور از سال ۱۹۸۳ تا ۱۹۹۵ سیاست اقتصادی بسیار خوبی داشته است، چه در مورد دولت‌های چپ‌گرا و چه در مورد دولت‌های راست‌گرا. متاسفانه به محض اینکه آقای شیراک به قدرت رسید ما وارد دوران سوءمدیریت اقتصادی شدیم. بحثی در این نیست ولی ما از این وضعیت خارج خواهیم شد.

■ شما چگونه می‌توانید مشکلات کنونی فرانسه را به گردن شیراک بیندازید. اصولاً باید مسئله عمیق‌تر از اینها باشد؟

فکر می‌کنم فراموش کرده‌اید که نظام سیاسی شما [انگلیسی‌ها] دموکراسی است ولی نظام سیاسی ما بیشتر شبیه به پادشاهی است تا دموکراسی. بنابراین در نظام‌های پادشاهی وزنه‌ها بسیار اهمیت دارند. شیراک یک فرد نجیب و به اصطلاح جمهوریخواه است، از راست افراطی نفرت دارد و تمام تلاش خود را برای مبارزه با راست افراطی به کار می‌برد ولی کوچک‌ترین تدبیری برای آینده فرانسه ندارد.

■ مسائل مختلفی را مطرح کردید. به نظر می‌رسد که ژاک شیراک بازتاب‌دهنده افکار عمومی فرانسه است.

من چنین فکر نمی‌کنم. ببینید فرانسه دهه‌ها است که به اتحادیه اروپا تمایل دارد ولی شیراک تنها از نظر منطقی طرفدار اتحادیه اروپا است و این مسئله در او ریشه‌دار نیست.

■ چطور چنین حرفی می‌زنید. اکثریت عظیمی از مردم فرانسه علیه قانون اساسی اتحادیه اروپا رای دادند در حالی که توصیه ژاک شیراک دادن رأی مثبت بود.

دلیلش این است که رفراندوم بدترین روشی بود که انتخاب شد.

■ بگذارید درباره اصلاحات اقتصادی صحبت کنیم تا قضیه روشن‌تر شود. فکر می‌کنم شما از کسانی بودید که از اصلاح قانون کار حمایت کردید، قانونی که استخدام و اخراج جوانان را در این کشور آسان‌تر می‌کرد.

بله همین‌طور است. معتقدم فکر بسیار خوبی بود زیرا می‌توانست انعطاف‌پذیری بیشتری ایجاد کند.

■ ولی مردم فرانسه با وضوح تمام این طرح را رد کردند و با اعتراض به این تغییرات و با انجام تظاهرات سرانجام دولت را وادار به عقب‌نشینی کردند.

علتش این است که کاری که ویلپن می‌خواست انجام دهد فکر خوبی بود ولی روشی که اتخاذ شد نادرست بود. فکر می‌کنم علت این مسئله هم این است که ویلپن یک سیاستمدار حرفه‌ای نیست. یک سیاستمدار حرفه‌ای چندین شب را تا صبح با اتحادیه‌های کارگری به سر می‌برد و با آنها نشست و برخاست می‌کند تا اینکه بالاخره به یک توافق می‌رسند. وقتی شما پنج اتحادیه را در یک ساعت به حضور بپذیرید به مثابه رفتاری است که یک صاحب ملک با زارعین خود دارد.

■ با این توضیحات دوباره به این نکته می‌رسیم که به نظر شما ریشه بسیاری از مسائل به گذشته و زمان ژاک شیراک برمی‌گردد ولی من بار دیگر این مسئله محوری را مطرح می‌کنم که اگر به اعتراض‌های شمار عظیمی از مردم این کشور به آزادسازی اقتصادی، کنترل‌زدایی از بازار کار و مسائل مشابه توجه کنیم می‌بینیم که مردم فرانسه از آن نوع اصلاحات اقتصادی که شما به دنبال آن هستید حمایت نمی‌کنند. بنابراین نمی‌توانید تنها شیراک را متهم کنید.

مشکل این کشور این است که یازده سال قبل راست‌گرایان کسی را انتخاب کردند که در واقع به راست متعلق نبود. شیراک یک سیاستمدار چپ‌گرا است. شیراک در بسیاری موارد به جای اینکه افکار عمومی را آموزش بدهد از افکار عمومی پیروی کرده است.

■ در اینجا به پرسش کلیدی می‌رسیم. شما محرم اسرار دولت فرانسه هستید. شما رئیس غیراجرایی لوموند هستید. شما یک بازاری بسیار پردرآمد هستید و چه بسا سالانه میلیون‌ها یورو از طریق ارائه خدمات مشاوره‌ای به بزرگ‌ترین شرکت‌های تجاری کسب می‌کنید. از شیراک که بگذریم فکر می‌کنید چه کسی می‌تواند از عهده برنامه‌های مورد نظر شما برآید؟

فکر می‌کنم این بار راست‌گرایان به یک راست‌گرای واقعی یعنی سارکوزی رای می‌دهند.

■ آقای سارکوزی با آب و تاب تمام وعده داده است که قصد دارد فرانسه را وارد مسیر کاملاً تازه‌ای بکند. فکر می‌کنید به‌راستی او می‌تواند با جرأت تمام از قانون کاری که اخراج نیروی کار را آسان می‌کند حمایت کند؟

فعلاً او به فکر انتخاب شدن است و بنابراین باید سیاست به خرج دهد. شما که دموکراتیک‌تر از ما هستید به خوبی می‌دانید که در عالم سیاست برای اینکه انتخاب شوید ممکن است چیزهایی را بگویید که اندکی با آنچه واقعاً می‌خواهید انجام دهید متفاوت است.

■ اگر انگلیس را با فرانسه مقایسه کنید می‌بینید که اخراج یک نیروی کار در فرانسه سه برابر سخت‌تر از انجام این کار در انگلیس است و بسیاری فکر می‌کنند به همین دلیل است که در انگلیس به راحتی کارخانه‌ها تعطیل و مشاغل به اروپای شرقی یا آسیا منتقل می‌شوند در حالی که این کار در فرانسه بسیار دشوارتر است. فکر می‌کنید سارکوزی هم می‌خواهد وضعیت مشابهی در فرانسه ایجاد کند؟

نه، ما به روش متفاوتی عمل خواهیم کرد و الگوی ما کشورهای اسکاندیناوی خواهد بود نه انگلیس. ما به مردم فرانسه می‌گوییم حاضریم از شما به عنوان اشخاص حمایت بکنیم ولی به عنوان نیروی کار نه.

■ از حرف‌های شما چنین بر می‌آید که به راحتی نمی‌توانید افکار عمومی را جلب کنید؟

مخالفت با سیاست‌های بازار در سراسر اروپا و حتی در آمریکا هم وجود دارد زیرا مشکل عمده‌ای که اکنون به وجود آمده، این است که در حال حاضر نظام سرمایه‌داری دشمن خارجی ندارد بنابر این اختلافات داخلی عمده می‌شود.

■ ولی سخنان شما متناقض است. با توجه به آنچه گفتید چگونه خواهید توانست در فرانسه اصلاحات اساسی ایجاد کنید؟

من تعجب می‌کنم. شما مثل یک مارکسیست صحبت می‌کنید؟

■ نه، مقصود من این است که چگونه می‌خواهید سیستمی را به هم بزنید که خود شما محصول آن هستید؟

می‌خواهم بگویم که این سیستم به‌خودی خود در حال به‌هم خوردن است. سیستم سنتی بالا آمدن نخبگان دیگر نمی‌تواند دوام داشته باشد زیرا فرزندان ما مسیر دیگری را در پیش گرفته‌اند بدون اینکه کسی آنها را مجبور کرده باشد.

■ پرسش اصلی این است که آیا واقعاً طرز تفکر مردم در فرانسه عوض شده است؟

بگذارید توضیح بدهم که چرا تغییرات در فرانسه با تغییراتی که در انگلیس اتفاق افتاده متفاوت است. دلیلش بسیار ساده است. علتش این است که ما به اندازه کافی فقیر نیستیم. من زمانی را که انگلیس تغییر کرد به خوبی به خاطر دارم. در سال ۱۹۷۹ در لندن آشغال‌ها در خیابان مانده بود و از برق خبری نبود. بنابر این کاملاً روشن بود که شما نیاز به انقلاب داشتید. ما به اندازه کافی فقیر نیستیم که نیاز به انقلاب داشته باشیم.

■ ولی پرسش این است که آیا می‌توانید بدون یک انقلاب تغییر کنید؟

فکر می‌کنم که ما به سرعت تغییر خواهیم کرد و هم‌اکنون در نقطه پایان یک دوران قرار داریم. البته نمی‌گویم که فرانسه به یک کشور مبتنی بر بازار آزاد شبیه انگلیس تبدیل می‌شود ولی شتاب حرکت ما مثل حرکت آلمان خواهد بود و بسیار واضح است که ما به تغییرات داخلی نیاز داریم. از سوی دیگر ما ثروت کافی برای انجام این تغییرات را داریم. هر کشوری که بتواند پس‌اندازی معادل ۱۵ درصد تولید ناخالص ملی داشته باشد چنین کشوری فرصت کافی برای انجام تغییرات را دارد.

خلاصه گفت‌وگو

نمی‌گویم که فرانسه به یک کشور مبتنی بر بازار آزاد شبیه انگلیس تبدیل می‌شود ولی شتاب حرکت ما مثل حرکت آلمان خواهد بود و بسیار واضح است که ما به تغییرات داخلی نیاز داریم. از سوی دیگر ما ثروت کافی برای انجام این تغییرات را داریم. هر کشوری که بتواند پس‌اندازی معادل ۱۵ درصد تولید ناخالص ملی داشته باشد چنین کشوری فرصت کافی برای انجام تغییرات را دارد. درضمن مردم فرانسه به اندازه کافی فقیر نیستند که انقلاب کنند.

تمدید بازداشت خانگی رهبر مخالفان میانمار

حکومت نظامیان حاکم بر میانمار (برمه) با وجود فشارهای بین‌المللی برای آزادی «آنگ سان سوچی» رهبر دموکراسی‌خواه این کشور، بازداشت خانگی این برنده جایزه نوبل را تمدید کرد. به گزارش خبرگزاری آسوشیتدپرس کوفی عنان دبیرکل سازمان ملل متحد و دیگر حامیان سوچی امیدوار بودند که با به پایان رسیدن دوره بازداشت خانگی سوچی، وی آزاد شود. اما روز گذشته یک مقام دولتی که نخواست نامش فاش شود، گفت حکم بازداشت وی تمدید شده است ولی مشخص نیست برای چه مدت. نیروهای پلیس باتوم به‌دست دیروز در حوالی محل سکونت سوکی مستقر شدند. ساکنان گفتند که نیروهای پلیس با کشیدن سیم خاردار در دو طرف خیابان محل سکونت سوکی صبح شنبه مانع آمد و شد خودروها به خانه او شدند.

در همین حال سخنگوی حزب سوچی موسوم به «اتحاد ملی دموکراسی» گفت: «این یک ناامیدی بزرگ و یک مانع اساسی بر سر راه آشتی ملی است. تمدید دوره بازداشت دقیقاً برعکس آن چیزی است که ما انتظار داشتیم.» دولت می‌گوید آزادی سوچی می‌تواند تهدیدی برای نظم عمومی باشد. کوفی عنان روز جمعه در سفر به تایلند از حکومت نظامی میانمار خواست کار درست را انجام دهد و با آزاد کردن سوچی به دولت و مردم اجازه دهد که با کمک هم کشور را بسازند و روی مسائل اساسی اقتصادی و توسعه اجتماعی تمرکز کند.

اما حامد البار وزیر خارجه مالزی در واکنش به این مسئله گفت: «من بسیار شگفت‌زده شدم. من امیدوار بودم که آنها بازداشت خانگی را تمدید نکنند اما این حق آنها است. البته ما مایوس شدیم.»

سوچی در سال ۱۹۹۱ برنده جایزه صلح نوبل شد. او طی ۱۷ سال گذشته حدود ۱۰ سال را در بازداشت گذرانده است. وی آخرین بار در سال ۲۰۰۳ بازداشت خانگی شد. اتحادیه ملی دموکراسی میانمار که به عنوان اصلی‌ترین گروه مخالف حکومت میانمار مطرح است، از سوی واشینگتن حمایت می‌شود.

خبرها

یکی از مظنونان انفجارهای صحرای سینا خود را تسلیم کرد

مهر: یکی از مظنونان به دست داشتن درانفجارهای صحرای سینا خود را تسلیم نیروهای پلیس مصر کرد. به گزارش خبرگزاری فرانسه، خضر سلام الشنوب (۲۶ساله) از شهروندان ساکن در مرکز سینا که از مظنونان به دست داشتن در انفجارهای منطقه دهب است، روز گذشته یک روز پس از آزادی برادرش خود را تسلیم نیروهای امنیتی مصر کرد. علی عوده برادر این مظنون ۱۸ ماه مه (۲۸ اردیبهشت) در چارچوب تحقیقات در مورد این انفجارها، دستگیر شد. انفجارهای صحرای دهب که بیست و چهارم ماه گذشته میلادی (۴ اردیبهشت) به وقوع پیوست، ۲۰ کشته و شماری زخمی بر جای گذاشت. مطبوعات مصر بر این باورند که آزادی «علی عوده» مشوق این مظنون شده تا خود را به نیروهای امنیتی مصر تسلیم کند. وزارت کشور مصر اعلام کرد که گروه «التوحید و الجهاد» این انفجارها را انجام داده بود.

حمله نیروهای ائتلاف به اردوگاه شبه‌نظامیان طالبان

ایسنا: ارتش آمریکا در افغانستان اعلام کرد، در پی حمله نیروهای ائتلاف تحت امر آمریکا به یک اردوگاه آموزشی شبه‌نظامیان در نواحی مرزی افغانستان با پاکستان، پنج افراطی مظنون شامل رهبران بلندپایه طالبان کشته شدند. به گزارش خبرگزاری آسوشیتدپرس، ارتش آمریکا اعلام کرد این حمله اواخر روز جمعه به اردوگاه آموزشی شبه‌نظامیان در استان هلمند صورت گرفت. ارتش آمریکا افزود که رهبران بلندپایه طالبان در میان پنج کشته این حمله بوده‌اند ولی هویت و تعداد دقیق آنها مشخص نیست. ارتش آمریکا گفت، فرماندهان طالبان نیز متقابلاً حملاتی را علیه نیروهای ائتلاف، ارتش افغانستان، مقامات و غیرنظامیان افغان ترتیب داده‌اند. در درگیری‌های تازه بین پلیس و طالبان در روز جمعه بیش از ۱۰ تن کشته شدند.

از سرگیری درگیری‌ها در سومالی

شرق: درگیری میان نیروهای اسلامگرا موسوم به محاکم اسلامی و جنگ‌سالاران مورد حمایت آمریکا در سومالی صبح روز گذشته از سر گرفته شد. به گزارش شبکه خبری الجزیره این درگیری‌ها با تبادل آتش سنگین در منطقه دانیل آغاز شد که روز پنجشنبه هم شاهد درگیری‌های خسارت‌بار بود. هنوز هیچ گزارشی درباره تلفات احتمالی نرسیده است. در درگیری‌های خشونت‌باری که روز پنجشنبه در موگادیشو پایتخت سومالی صورت گرفت دست‌کم ۳۰ تن کشته و ۱۵۰ تن دیگر زخمی شدند. این در حالی است که کوفی عنان دبیرکل سازمان ملل بار دیگر از طرف‌های درگیر در سومالی خواست تا هر چه سریع‌تر و بدون هیچ قید و شرطی به درگیری‌ها پایان دهند.

دولت نپال و شورشیان مائوئیست نسبت به برقراری صلح متعهد شدند

ایسنا: دولت نپال و شورشیان مائوئیست با اعلام توافق برای پایان‌دادن به حملات علیه پایگاه‌های یکدیگر و توقف جذب نیرو متعهد شدند تا برای برقراری صلح در نپال تلاش کنند. به گزارش خبرگزاری رویترز دو طرف در پایان دور اول گفت‌وگوهای خود همچنین بر سر اصول اجرایی ۲۵ بندی که دو طرف را ملزم به کاهش تحرکات و توقف نمایش و استفاده از تسلیحات برای ترساندن مردم می‌کند، توافق کردند. آنها همچنین متعهد شدند تا برای تعیین یک مجلس ویژه که مسئولیت تدوین قانون اساسی جدید را برعهده دارد، انتخابات زودهنگام برگزار کنند و نظام سیاسی آینده نپال را ترسیم کنند. کریشنا بهادر ماهارا مذاکره‌کننده اصلی شورشیان با اشاره به مجلس جدید به خبرنگاران گفت: ما قبلاً بر سر برنامه سیاسی عمده کشور به توافق رسیده‌ایم.

نیروهای آلمانی ۱۰ سال در افغانستان می‌مانند

به گفته یک ژنرال آلمانی نیروهای این کشور بیشتر از ۱۰ سال دیگر در افغانستان حضور خواهند داشت. به گزارش خبرگزاری آلمان مارکوس کنایب که از ماه ژوئن فرماندهی نیروهای بین‌المللی حافظ صلح در افغانستان را بر عهده خواهد گرفت، تاکید کرد: «نیروهای آلمان بیش از ۱۰ سال دیگر در افغانستان باقی می‌مانند و پایان ماموریت نیروهای بین‌المللی در این کشور نیز تا یک یا دو نسل دیگر ادامه خواهد داشت.» او افزود: اوضاع شهر مزارشریف که بیشتر نیروهای آلمانی در آنجا مستقر هستند، آرام و امن نیست. وی با اشاره به عدم وجود گروه‌های بزرگ طالبان در افغانستان، دخالت گروه‌های کوچک افغانی در حملات این کشور را بعید ندانست و نسبت به درگیری بین قبایل افغانی و در نتیجه افزایش بحران‌ها در این کشور هشدار داد. ارتش آلمان قصد دارد حدود ۱۷۰۰ نفر از نیروهای خود را تا پایان سال جاری از کابل به مزار شریف انتقال دهد. مشارکت ارتش آلمان در گروه نیروهای حافظ صلح در افغانستان تاکنون به کشته شدن ۱۸ سرباز آلمانی منجر شده است.

شری بلر: تونی خودش تصمیم می‌گیرد

ایلنا: «شری بلر» همسر «تونی بلر» نخست‌وزیر انگلیس گفت: «به آنچه قرار است پس از ترک همسرم از خانه شماره ۱۰ داونینگ استریت رخ بدهد، فکر نمی‌کنم.» «شری بلر» به بی‌بی‌سی گفت: «من همسرم را بیش از هر وقت دیگر دوست دارم و هیچ‌گاه به حوادث بعد از کناره‌گیری بلر از سمت نخست‌وزیری فکر نمی‌کنم.» وی در مورد اولین دیدارش با بلر گفت: «من با تونی بلر هنگامی که در دانشگاه مشغول تحصیل بود، ملاقات کردم و اکنون علاقه‌ام به وی چند برابر شده است.»